



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه تحصیلی جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان:

بررسی تطبیقی مبانی خرد سیاسی در آیین مزدایی و اسلام شیعی

استاد راهنما:

دکتر شجاع احمدوند

استاد مشاور:

دکتر ابراهیم برزگر

پژوهشگر:

سید محسن هاشمی

شهریور ۱۳۹۰

عنوان تحقیق:

الف: فارسی:

بررسی تطبیقی مبانی خرد سیاسی در آیین مزدایی و اسلام شیعی

ب: انگلیسی:

**Comparative study of political wisdom in Zoroastrian and
shiism**

رشته: اندیشه سیاسی در اسلام مقطع: کارشناسی ارشد

استاد راهنما: دکتر احمدوند

استاد مشاور: دکتر بوزگر

نام و نام خانوادگی دانشجو: سید محسن هاشمی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ

اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (سوره حج، آيه ١٧)

تقدیر و تشکر

سخن گفتن از شکر ما را به یاد دانای آسمان و زمین و سپاسگذاری به درگاهش می اندازد، اما تشکر بعد از او مخصوص بندگان مخلصش است، اساتیدی بزرگوار که چون پدری بودند برای ما:

ابتدا باید از جناب آقای دکتر شجاع احمدوند، نهایت تقدیر را داشته باشم، استادی که نهایت مهربانی؛ با علم، رفتار، صمیمیت و تبسمهای همیشگی‌شان، راهنما و یآوری فرهیخته در مسیر و زمان نگارش این اثر بوده اند.

تشکر بعد مخصوص جناب آقای دکتر بزرگر، است استادی بزرگوار که تجربه و علم را توأم نموده است، تا چراغی فروزان باشند برای رهروان دانش و جویندگان علم.

و سپاس از تک تک اساتیدی که به حق استاد بودند و امید داریم که ما شاگردانی صادق برای آنان بوده و باشیم، شاگردانی که بتوانند، از سرچشمه علم و ادب آنها، لیبی تر کرده و جرعه ای نوشیده باشند.

تقدیم به:

پدر و مادری بزرگوار که سالها دور از وطن و در غربت بودند، تا غریبی بر دلمان ننشیند؛
و تقدیم به همسری مهربان که محبتش پیوند دهنده کلمات و جملات است.

چکیده:

پژوهش حاضر با عنوان بررسی تطبیقی مبانی خرد سیاسی در آیین مزدایی و اسلام شیعی را با ذکر کلیات و امهات تحقیق شروع نمودیم، سوال اصلی پیرامون وجود افتراقات و اشتراکات این دو آیین بوده و در جواب آن فرضیه ای را مطرح کردیم، که بر این اساس اشتراکات بسیار بیشتر از افتراقات می باشد. برای سنجش فرضیه ابتدا سوالات سه گانه فرعی بر اساس سه مبنای هستی، انسان و معرفت شناسی بود را طرح نموده و در جواب آنها سه فرضیه بیان داشتیم: در مبانی هستی شناسی، فقط در استقلال خیر از شر که مورد اعتقاد مزدائیان است، با شیعیان اختلاف نظر وجود دارد، اما در دیگر مبانی اختلافی مشاهده نمی گردد. برای سنجش فرضیه های فرعی آنها را در سه فصل مجزا مورد بررسی قرار داده، اما قبل از اینکار به چارچوب مفهومی پرداخته و شاخصهایی را برای بررسی تطبیقی استخراج نمودیم.

ابتدا تعاریفی از مفاهیم بحث بیان شد و سپس قالب اندیشه در معنای عام خود را برای نوع تفکر در آیین مزدایی و اسلام شیعی به علت عام بودن برگزیدیم. هر اندیشه دارای مبانی خاص خویش می باشد، لذا در ادامه فصل چارچوب مفهومی به تعاریف و توضیحاتی پیرامون این مبانی پرداختیم. اولین مبنا، هستی شناسی می باشد که در آن به مبدأ، نوع، کیفیت، اهداف و سرانجام هستی پرداخته می شود. در مبنای انسان شناسی، به آفرینش، خصوصیات و کیفیت وجود آدمی و رابطه او با همنوعانش پرداخته می شود، مسائلی مانند دوگانگی وجود انسان، انسان های شایسته رهبری، برابری میان آنها از این فصل به عنوان شاخص استخراج شده است. در باب معرفت شناسی نیز موضوع، امکان، راههای کسب معرفت توسط انسان و پیروی از انسان کامل مطالبی بصورت نظری آمده است؛ که از این مبانی سه گانه شاخصهایی برای تحقیق در ادامه کار استخراج گردیده است.

در فصل دوم ۷ شاخص هستی شناسی را مورد بررسی تطبیقی در آیین مزدایی و اسلام شیعی قرار دادیم، این دو آیین در شاخصهای اعتقاد به نبرد خیر و شر که به تقابل دوست و دشمن در سیاست می انجامد، دوگانگی مادی و غیرمادی بودن هستی که به مشروعیت آنجهانی منجر می گردد، نظم که حفظ آن وظیفه حاکم است، سلسله مراتب در هستی که نمودش در نظام طبقاتی می باشد و اعتقاد به سرانجام این و آن جهانی هستی که با ظهور منجیان همراه است، با یکدیگر دارای اشتراک کلی بودند. اما در اعتقاد مزدائیان به وجود دو آفریننده مستقل از یکدیگر در آفرینش خیر و شر، شیعه به راهی دیگر می رود و به یک خدای واحد می رسد که همه اعم از خیر و شر بدست او آفریده شده است و این افتراق باعث تأیید فرضیه فرعی این فصل می شود.

در فصل انسان شناسی ۸ شاخص مورد بررسی قرار گرفته است که در نزد هر دو آیین انسانها دارای سلسله مراتبی بر اساس عدالت هستند که حاکم در رأس آن قرار دارد، زیرا هر کس با توجه مسئولیتی که در هستی دارد، در جایگاهی مشخص قرار می گیرد و به انجام خویشکاری می پردازد. وجود انسانهایی نخبه و برگزیده از دیگر اشتراکات موجود است، که بر اساس آن عده ای به عنوان راهنمایان در بین مردم زندگی می کنند و به واسطه داشتن مقام دینی به اقتدار سیاسی و اجتماعی می رسند؛ حاکم خود انسانی برگزیده است که خداوند او را برای حکومت بر انسانها معین داشته است، در آیین مزدایی حاکم فقط شاه آرمانی است، اما در اسلام به پیامبر، امام، فقیه و پادشاه عادل به عنوان حاکم اشاره شده است. در آخر اعتقاد مشترکی به وجود یک منجی در آخرالزمان وجود دارد که او پایان دهنده همه شرور است و جامعه را به عدالت و رستگاری می رساند. بر این اساس فقط شاهد اشتراک در کلیات هستیم و فرضیه دوم فرعی هم تأیید می گردد.

فصل آخر به معرفت شناسی اختصاص داده شده و در آن ضمن اشاره به سه قالب فلسفه، فقه و کلام؛ بیان گردیده که خداوند موضوع شناخت می باشد، شناختی که باید با عمل توأم و دارای واسطه هایی همچون امام به عنوان حاکم سیاسی در تشیع و ایزد فرمانروا در آیین مزدایی باشد. که وجود همین افراد باعث امکان پذیر بودن معرفت می شود. راههای کسب معرفت خرد، تجربه، ایمان و وحی که قابل گنجاندن شدن در قالبهای سه گانه است، می باشد، که هر کس بیشتر از این راهها به معرفت دست یابد، در جامعه دارای قرب و مقام خاصی می گردد. چنانچه امام و علما به واسطه دارا بودن از معرفت به راهنمای جامعه و سرپرستی آن می رسند و در کنار دیگران چون پیامبر الهی که بر او وحی نازل می شود و به صورت متون مقدس در تاریخ ماندگار گردیده، انسان های کاملی محسوب شده که همگان باید از آنها تبعیت نمایند. با تأیید فرضیه این فصل، به تأیید فرضیه اصلی تحقیق می رسیم که طی آن اشتراکات بیش از افتراقات است و عمده عدم توافق هم در دو بن انگاری مزدایی می باشد، چیزی که در شیعه مورد قبول نیست.

واژگان کلیدی: خرد سیاسی، آیین مزدایی، اسلام شیعی، هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی

فهرست مطالب

مقدمه

۱۲ طرح مسأله
۱۴ سوالات و فرضیه ها
۱۵ تعریف مفاهیم
۱۸ ادبیات تحقیق
۲۲ اهداف پژوهش
۲۲ روش تحقیق و گردآوری داده
۲۳ مشکلات و تنگناهای تحقیق
۲۴ سازماندهی تحقیق

فصل اول: چارچوب مفهومی: مبانی سه گانه اندیشه

۲۵	تعاریف
۳۰	نوع تفکر مزدایی و شیعی
۳۵	چرایی مبانی اندیشه
۳۶	هستی شناسی
۴۱	انسان شناسی
۵۱	معرفت شناسی

فصل دوم: مبانی هستی شناسی

۶۸	داستان آفرینش
۷۵	آفرینندگان هستی
۸۸	نظم در هستی
۹۴	خیر و شر در هستی
۱۰۲	مادی و غیر مادی بودن هستی
۱۰۹	سلسله مراتب هستی
۱۱۵	سرانجام هستی

فصل سوم: مبانی انسان شناسی

۱۲۹	روایت آفرینش انسان
۱۳۵	برابری و عدالت میان انسانها
۱۳۹	سلسله مراتب میان انسانها
۱۴۶	مسئولیت همگانی انسانها
۱۵۱	دوگانگی روح و جسم در انسان
۱۵۶	حاکم
۱۷۹	راهنمایان دینی (علما)
۱۸۵	منجی آخرالزمان

فصل چهارم: مبانی معرفت شناسی

۲۰۱	موضوع و ماهیت کسب معرفت
۲۰۹	امکان کسب معرفت
۲۱۹	راههای کسب معرفت
۲۱۹	خرد (فلسفه گرایی)
۲۳۱	تجربه

۲۳۸	ایمان
۲۴۶	معرفت و حیانی و کلامی
۲۵۷	انسان کامل

نتیجه گیری

۲۷۹	نتیجه گیری
۲۸۳	پیشنهاد
۲۸۴	منابع

مقدمه

۱: طرح مسئله

تفکرات مزدایی که نمود بارز اندیشه ایران باستان می باشد دارای گستره اندیشه ای وسیعی است که پیرامون همه امور هستی به اظهار نظر و اندیشه ورزی پرداخته است. مبنا و بنیاد این اندیشه که دین زردشتی نماد خالص و کامل آن است، وجود اشه و نظم خاصی می باشد که بر جهان حاکم است. با وجود این، نزاعی دائمی میان خیر و شر برقرار است که تا پایان هستی ادامه خواهد یافت. پایان دهنده این درگیری، انسان کاملی است که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و با حضور و رهبری او خیر بر شر که در وجود اهریمن متجلی است پیروز می شود و بدین گونه آرمانشهری دائمی پدید خواهد آمد.

هستی در آیین مزدایی دارای سلسله مراتبی است که خداوند یا اهورا مزدا به عنوان نماد خیر، در رأس آن قرار دارد و در روی زمین هم نماینده او یعنی پادشاه به واسطه فره ای که در اختیار دارد به اجرای فرامین خداوند با کمک و فرمانروایی کردن بر مردم، همت می گمارد و نگهبان اشه و سلسله مراتب اجتماعی ناشی از آن است. وجود عالم دوگانه مادی و معنوی در هستی منجر به پدید آمدن دو نوع متفاوت کسب معرفت می شود که در یکی انسان با کسب تجربه و به کمک عقل خویش به فراگیری مهارت برای اجرای وظایفش در چارچوب اشه می پردازد و از سوی دیگر با فهم و یاری عالم دینی به کسب معرفت از طریق وحی و متون مقدس مبادرت می ورزد.

اندیشه سیاسی که بر بنیادهای بالا و طبق الگوی هستی، معرفت و انسان شناسی بنا گردیده است دارای الزامات حکومت و سیاست می باشد، که به عقیده عده ای از محققین با حمله مسلمانان به ایران و سقوط دولت ساسانی پایان یافته و به گسستی در اندیشه ایرانی منجر می شود که تا کنون ادامه دارد. اما نگارنده معتقد است که اندیشه اسلامی خصوصاً تشیع با داشتن مبانی مستقل و مشترک، میزبانی برای اندیشه ایرانی به ویژه مزدایی و زرتشتی شد و بدین گونه تداومی در اندیشه بوجود آمد که بعد از هزاران سال اکنون دارای غنا و پشتوانه تاریخی فراوانی است.

تشیع در عین استقلال وجودی خود، در مبانی هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی که می توان این سه مولفه را زیر مجموعه خرد سیاسی جای داد، دارای اشتراکات فراوانی همچون دوگانگی هستی، نزاع خیر و شر، اعتقاد به ایجاد آرمانشهر و پایان تاریخ، وجود سلسله مراتب در نظم هستی، معرفت شناسی دوگانه و . . . می باشد که اندیشه سیاسی تشیع خصوصاً مبحث امامت و ولایت بر پایه این بنیادها استوار گردیده است. البته افتراقاتی مانند عدم استقلال شر از خداوند در اندیشه تشیع بر خلاف آنچه در اندیشه مزدایی است، نیز وجود دارد که ناقض نظریه تداوم نمی باشند.

وجود این مبانی مشترک می تواند به ایجاد یک نظریه و اندیشه سیاسی مشترک، و به غنا و کاربردی بودن هر دو طرف بینجامد. سعی نگارنده در متن اصلی تحقیق این خواهد بود که این مبانی مشترک را استخراج نموده و اگر افتراقی نیز وجود دارد بیان گردد. لذا سوال اصلی تحقیق بیان نقاط اشتراک و افتراق خرد سیاسی در این دو آیین و مذهب می باشد.

۲: سوالات و فرضیه ها

۲-۱: سؤال اصلی

نقاط اشتراک و افتراق مبانی خرد سیاسی در آیین مزدایی و اسلام شیعی کدام است؟

۲-۲: سوالات فرعی

۱- نقاط اشتراک و افتراق آیین مزدایی با اسلام شیعی در مبانی هستی شناسی چیست؟

۲- نقاط اشتراک و افتراق آیین مزدایی با اسلام شیعی در مبانی انسان شناسی چیست؟

۳- نقاط اشتراک و افتراق آیین مزدایی با اسلام شیعی در مبانی معرفت شناسی چیست؟

۲-۳: فرضیه اصلی

آیین مزدایی در مبانی هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی خرد سیاسی خود دارای نقاط اشتراک فراوان و افتراق اندکی نسبت به اسلام شیعی است.

۲-۴: فرضیه های فرعی

۱- آیین مزدایی در اعتقاد به عالم دوگانه مادی و معنوی، وجود نظم، سرانجام مثبت و سلسله مراتب در هستی با اسلام شیعی اشتراک و در استقلال شر از خیر به عنوان واجب الوجود، با این آیین افتراق دارد.

۲- آیین مزدایی و اسلام شیعی در مصادیق انسان شناسی مانند دوگانگی وجود انسان (معنوی و مادی)، وجود سلسله مراتب در میان انسانها و مشروعیت الهی انسان کامل با یکدیگر مشترک هستند.

۳- آیین مزدایی همانند اسلام شیعی بواسطه دوگانه انگاری هستی و وجود انسانی به دو نوع کسب معرفت عقلی و نقلی نسبت به هستی می رسد که روش نقلی، وحی محورانه است.

۳. تعریف مفاهیم

عمده مفاهیم موجود در این نوشتار باید تعریف و حتی تفسیر شود، زیرا ما با آیین مزدایی و دین زردشتی سر و کار داریم، آیینی که علی رغم قدمت تاریخی و تعلق به گذشتگانمان با آن آشنایی چندانی نداریم و بالتبع واژگان متعدد و دشوار آن، برای ما اگر شنیدنش تازگی نداشته باشد مطمئناً با عمده معانی آنها بیگانه هستیم. در هر قسمت خاصی ما به واژه های مورد کاربرد در آنجا می پردازیم و در اینجا فقط به بیان تعریفی کلی از آیین مزدایی بعد از ذکر توضیحاتی پیرامون مبانی خرد سیاسی اشاره نموده و اسلام شیعی را نیز به صورت مختصر شرح می دهیم تا نشان دهیم که مراد ما کدامیک از انواع مذاهب شیعه می باشد.

۱-۳- مبانی خرد سیاسی: در تعریف این مفهوم باید به تقسیم سه جزء پرداخت، البته می توان نکات و تعریفات فراوان دیگری را نیز مد نظر قرار داد که در تعریفات و توضیحات ما در اینجا بر اساس نیاز کار پژوهشی در دست بررسی مان و همچنین با توجه به طرح کلی تحقیق می باشد.

اولین جزء، مبانی است، باید دقت نمود که مبانی قاعده اصلی و زیرین است که بر شالوده آن اندیشه قرار می گیرد. مبانی بر اساس جهان بینی شکل می گیرند و طبق آنچه که در درون خود دارد بنای سیاست را می چیند، برای مثال اگر واجب الوجود یکی باشد، حاکم نیز یکی می شود و ایشان نماینده ای از جانب خالق آسمانها و زمین و حامی سنت اوست. در اینجا ما، مبانی را مطرح نموده ایم تا طبق آن به عمق اندیشه پی برده و بررسی کنیم که چه مبانی بر نوع شکل گیری اندیشه اثر گذار بوده است. مبانی سه گانه ای که در ادامه به آن اشاره خواهد شد زیر بنای هر اندیشه و فلسفه ای است و هر اندیشمند و فیلسوف خواه ناخواه به آن گریزی زده و در آثار خود لحاظ نموده است.

خرد یا همان عقلانیت در اینجا شامل هر گونه تلاش فکری، عملی و مکتوب است که طبق آن اندیشه ای در موضوعی خاص بوجود می آید. تعریف عقل و خرد به عنوان مبدأ فکر و اندیشه در متون اسلامی نیز بکار رفته است. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸: ۲۰) و اندیشمندانی چون شهید مطهری فلسفه را به عنوان یک کار و تلاش عقلی معرفی کرده اند. اندیشه حاصل از ذهن، برای صاحبان خود قابل دفاع و احترام بوده است و دارای منطق و انسجام دورنی می باشد که به عنوان مبنا، زیر بنایی برای تأسیسات اجتماعی و سیاسی محسوب گردیده است. مثلاً برای نشان دادن نبود هر گونه تضادی در اندیشه مورد احترام، وجود شرور را نه به ذات هستی منبعث

از اندیشه بلکه به موجودی نسبت داده می شود که همانند اهریمن نقطه مقابل واجب الوجود است یا همچون شیطان دارای اختیار از سوی پروردگار برای آزمایش انسانها.

اما سیاست را عنوان کرده ایم تا به کنکاش در مبانی ای پردازیم که به ایجاد یک فرآیند یا تبعاتی سیاسی منجر می گردند نه یک برداشت و آموزه معرفتی و شخصی خاص. البته در تفکر مزدایی عمده مفاهیم و مطالب به سیاست بر می گردد که علت آن هم باید تفکر خیمه ای دانست که بر روح اندیشه ایران باستان حکفرماست همانگونه که در نزد مذهب تشیع نیز اینگونه می باشد.

در ادامه سه مقوله هستی شناسی، انسان شناسی و در نهایت معرفت شناسی که در بررسی هر اندیشه مهم و مورد رجوع است، را از این زاویه که چه تأییراتی بر اندیشه سیاسی می گذارند، مورد مطالعه قرار می دهیم. لازم به ذکر است که مبانی سه گانه بالا بیشتر در فلسفه مورد رجوع می باشد، ولی به دلیل اینکه فلسفه سیاسی جزئی از اندیشه سیاسی- در معنای عام- می باشد و همچنین امکان اطلاق فلسفی یا اندیشه ای بودن تفکرات مورد بحث در این تحقیق خصوصاً در مورد اندیشه مزدایی دشوار است، ما با تساهل این سه مقوله را به عنوان چارچوب مفهومی عنوان کرده و بحث را در قالب آن بیان داشته ایم. (البته در ادامه به نوع تفکر در اندیشه مزدایی و تشیع خواهیم پرداخت).

۲-۳- آیین مزدایی: آنچه به عنوان آیین مزدایی در اینجا از آن نامبرده شده است مشمول دوره زیادی از تاریخ ایران باستان می شود و فراتر از ظهور زرتشت تا سقوط دولت ساسانیان است. بنابر آنچه که در تاریخ بر جا مانده است ایرانیان همواره به آیین و دینی در می آمده اند و بنابراین دارای خدایگان متعددی بوده اند و زرتشت پایان دهنده این تشت در پرستش بوده است که کم کم وزنه قدرت را به نفع اهورا مزدا سنگین نموده است و او را خدای برتر در میان دیگر خدایگان قرار داده است. (رضایی راد، ۱۳۷۸: ۹)

دین و آیین زرتشتی تکمیل کننده آیین مزدایی و نمونه و نماد بارز آن می باشد. نام این دین برگرفته از نام پیامبر آن زرتشت می باشد. زرتشت علی رغم اختلافهای روایی که وجود دارد بنا به عقیده بیشتر مورخان و تاریخدانان در بین سالهای ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ قبل از میلاد می زیسته است. (رجایی، ۱۳۸۵: ۷۱) در مورد معنای نام زرتشت هم اختلافات فراوانی وجود دارد که بهترین معنای آن دارنده شتران زرد می باشد. زرتشت پیامش را در کتابی بنام اوستا آورده است. ایشان در حمایت از زندگی کشاورزی به قربانی کردن حیوانات اعتراض کرده و با مخالفت نسبت به زندگی شبانی، یکجا نشینی و پادشاهی را ترویج می کند. زرتشت به تبلیغ اهورا مزدا به عنوان

خدای برتر همت می گمارد و برای انسانها وظایفی را در نظر می گیرد که باید در جهانی دیگر جوابگوی آنها باشند.

مزدیسنا عنوان دیگری برای دین زرتشتیان می باشد که با این نام بیشتر به آیین مزدایی مورد توجه ما در این تحقیق نزدیک می گردند. اهورا مزدا شخصیت و نقطه مرکزی اعتقادات زرتشتی است که در حمایت از یگانگی او، عده ای اهریمن به عنوان شر در مقابل خیر ایزدی، را فقط تمثیلی از بدی می دانند که بر طبق آن در یگانگی منشأ و مبدأ قدرت خیر در هستی خللی بوجود نمی آید. آتش در نزد زرتشتیان بسیار مقدس است و تلاشهای زیادی برای ساخت مکانهایی جهت نگهداری آن می شده است. این اماکن در همه ایران گسترده بوده به الاخص در سرزمین فارس که یکی از مکانهای کهن زندگی زرتشتیان است. ابن حوقل مورخ، می نویسد در هر شهر و روستای این دیار آتشکده های فراوانی وجود دارد که تنها از طریق دیوان می شود نسبت به آنها آگاهی یافت. (قلی زاده آهنگر، ۱۳۸۳: ۹۱) این اماکن مذهبی مکانی برای اعمال قدرت سیاسی و اجتماعی موبدان بوده است. آنچه در ادامه و فصول آینده می آید ما را بیشتر با آیین زرتشتی آشنا می کند.

۳-۳-اسلام شیعی: دین اسلام یک دین واحد و متفاوت از دیگر ادیان است که هر چند در موضوعاتی با دیگر ادیان شباهت دارد اما در مصادیق دارای تفاوتهای فراوان است. توحید به عنوان رکن اساسی این دین محسوب می شود و در کنار آن معاد یعنی اعتقاد به جهانی که منزلگاه انسانها پس از مرگ است و همچنین نبوت که اعتقاد به پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) که از اصول سه گانه همه فرق و مذاهب اسلامی است. البته اعتقاد به قرآن کریم به عنوان معجزه پیامبر اسلام و عدم تحریف آن در طول حیات اسلام هم نشانه و مشخصه دیگر همه مسلمانان می باشد.

بلافاصله بعد از وفات پیامبر اسلام تشدت در اسلام خود را نشان داد و مذاهب و فرق بسیار زیادی خود را به مسلمانان به عنوان نسخه واقعی اسلام معرفی داشتند. یکی از این مذاهب تشیع است که در درون خود به فرق مختلف و متعددی تقسیم می گردد، اما منظور ما در اینجا از تشیع، جریان بارز شیعه گری یعنی شیعه جعفری یا همان دوازده امامی است و هر جا که واژه شیعه به تنهایی بکار رفته است باید این مذهب خاص را در نظر گرفت، همچنین در این اثر واژه اسلام را هم بر شیعیان تطبیق داده ایم.

شیعیان علاوه بر اصول ذکر شده در بالا به دو اصل امامت و عدل هم توجه دارند و حتی آنرا جز اصول دین بر می شمارند. امامت به " مفهوم سیاسی خلافت پیامبر(ص) و به معنی سرپرستی امور دینی و دنیایی

امت" (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۱۹۴) است، به عبارت دیگر یعنی اعتقاد به وجود امامانی دوازده گانه که اولین آنها حضرت علی (ع) می باشد که در مکانها و زمانهای گوناگونی توسط پیامبر اسلام به عنوان خلیفه مسلمین و سر سلسله ائمه اطهار(ص) معرفی گردیده است. این امامان امتداد می یابند تا اینکه به حضرت مهدی(عج) به عنوان امام دوازدهم ختم می گردند. عدل به عنوان یکی دیگر از اصول اسلام از نظر تشیع، "یکی از صفات جمالیه خداوند متعال است. مسأله عدل الهی از یک سو با اصل ایمان به خدا ارتباط دارد و از سوی دیگر با مسأله معاد، و از سویی هم با مسئله نبوت و امامت و از طرفی با فلسفه احکام، پاداش و جزاء، جبر و تفویض مربوط می شود." (قائمی، ۱۳۸۷: ۶۳)

۴: ادبیات تحقیق

کار پژوهشی ما به علت تطبیقی بودن دارای ۳ قسمت می باشد. اولین قسمت مربوط به آیین مزدایی است که آثار پیرامون آن نسبتاً زیاد است، هر چند که مبانی و بنیادهای سه گانه هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته است و بیشتر آثار و کتابها به شرح منابع مکتوب زرتشتی و بررسی موضوعی آنها پرداخته اند. آقای مهرداد بهار در این راستا تحقیقات زیادی نموده است و کتابها و ترجمه هایی از ایشان به یادگار باقی مانده است. کتاب پژوهشی در اساطیر ایران از تألیفات ایشان می باشد که در آن به اسطوره های موجود در فرهنگ مزدایی خصوصاً در راستای روایت آفرینش پرداخته است. از میان آثار ترجمه ای هم می توان به کتاب بندهشن اشاره داشت که در سال ۱۳۷۰ توسط نشر توس چاپ گردیده است. آثاری گرانقدری هم از ابراهیم پورداوود خصوصاً در وادی تفسیر و شرح کتاب اوستا و بالاخص بخش یسنای این کتاب کهن و مقدس زرتشتیان وجد دارد.

البته کتابهای ارزشمندی مانند کتاب *مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی* وجود دارد که در آن به ۵ ویژگی اصلی و مبنایی اندیشه مزدایی توجه شده است. آقای رضایی راد در کتاب فوق اولین ویژگی را پیروزی کیهانی خیر بر شر عنوان نموده است که به عنوان غایت زندگی انسان مزدایی نیز مورد توجه می باشد، مهمترین خصوصیت اندیشه مزدایی، که اعتقاد به خیر و شر است و آفرینندگان هستی (اهورامزدا و اهریمن) در آن جای دارند، در زیر این قسمت به بحث گذاشته شده است. اشه به عنوان نظم کیهانی و الگوی سامانمندی کشور دومین ویژگی می باشد که همه جامعه و کشور بر اساس آن شکل گرفته اند. آرمانشهر و اندیشه سرزمین قومی که در قالب انیران مصداق می یابد در فصل سوم این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. شاه آرمانی به عنوان

مهمترین شخصیت حقوقی و حتی حقیقی مزدایی به عنوان ویژگی چهارم مورد بحث قرار گرفته و این شخصیت را عامل نیت آرمانی و سعادت و خوشبختی آرمانشهر بیان کرده است. در فصل پنجم سلسله مراتب به عنوان الگوی ساختاری جامعه مورد توجه و بحث قرار گرفته که طبقات اجتماعی موبدان، ارتشتاران و واستریوشان در کنار دبیران بررسی شده اند.

کتاب ارزشمند دیگر که توسط فرهنگ رجایی با عنوان تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان نگارش شده است. در تلاش است تا خلأ موجود در آثار سیاسی مزدایی را جبران نماید، نویسنده هر چند به مبانی اصلی پرداخته است اما به علت اینکه چهار تمدن را در اوراقی اندکی به بحث گذاشته، نتوانسته است بصورت مفصل به همه جزئیات اندیشه سیاسی مزدایی توجه نماید اما به هر صورت به امهات این اندیشه که خیر و شر و اعتقاد به شاه آرمانی است اشاره کرده است و کدهای مهمی در اختیار علاقه مندان و پژوهشگران قرار داده است تا با آن به تحقیقات بیشتر پردازند و خود مشروحاتی بر تیرهای این کتاب بیفزایند. قالب کتاب آقای رضایی راد که اشاراتی به آن شد بر اساس این کتاب نگارش شده است، این قالب که اندیشه نام دارد در اثر پیش رو نیز، توسط ما مورد استفاده قرار گرفته است.

قسمت دوم کار ما اندیشه اسلام شیعی است که بنیادهای سه گانه این مذهب توسط نویسندگان متعددی بارها مورد بررسی و شرح قرار گرفته است و آثار در خور تأمل و توجهی (هر چند از بعد سیاسی ناقص) به نگارش در آورده اند. جدا از امامان شیعی که تعداد زیادی حدیث پیرامون اندیشه سیاسی از آنان بجا مانده است که کتاب نهج البلاغه به عنوان سرآمد آنها محسوب می شود؛ فقیهان و فیلسوفان بزرگی در طول تاریخ وجود داشته اند که به اندیشه تشیع به صورت عام و موضوع سیاسی به صورت خاص با همه توان پرداخته و اندیشه ورزی کرده اند. اگر در آیین مزدایی چنین شخصیهایی به ندرت یافت می گردیدند، اما در آیین تشیع می توان بیش از هزار متفکر، فیلسوف، فقیه و... را نام برد که تعدادی زیادی از آنان هنوز در قید حیات هستند.

در وادی سیاسی نیز آثار زیادی وجود که می توان برای نمونه کتب منتشر شده در نشر بوستان را نام برد که در ماری مشترک با پژوهشگاه فرهنگ و علوم انسانی به اندیشه سیاسی تک تک شخصیهای مطرح شیعی پرداخته و آنها را به زیور چاپ آراسته است. هر چند که کسانی چون علامه مصباح یزدی به مبانی اندیشه پرداخته اند و کتبی چون انسان شناسی در قرآن را نگارش کرده اند و یا موسسه زیر نظر ایشان کتبی چون هستی شناسی و یا معرفت شناسی را چاپ کرده، اما همچنان جای آثاری که به مبانی خاص سیاسی اندیشه پرداخته

باشند، خالی است. البته کتابهایی چون کتاب چپستی فلسفه سیاسی در حوزه تمدن اسلامی از محمد پزشکی و یا اثر کم حجم سید محمد رضا شریعتمدار بنام *درآمدی بر فلسفه سیاسی اسلام* را می توان نام برد که قادرند راهنمای ما و نمونه ای نسبتاً اندک از این دسته آثار باشند. این آثار در کنار مولفه های سه گانه به مبانی دیگری چون فرجام شناسی و روش شناسی نیز توجه نموده اند و به تأثیر این مبانی بر اندیشه سیاسی پرداخته اند.

کتاب چپستی فلسفه سیاسی در حوزه تمدن اسلامی با تعریف فلسفه سیاسی اسلامی کار خود را آغاز کرده است، این مفهوم در این گفتار به دانش مطالعه رفتار و اعمال ارادی آدمی، سازمانها، نهاد و زندگی سیاسی او بر اساس مفاهیم اعتباری فلسفی و اعتباریات عملی ثابت عقلانی و شرعی برای نیل به جامعه کمال مطلوب تعریف شده است. در فصل سوم کتاب به چارچوب و مبانی مورد بحث ما پرداخته شده که در قالب بنیادهای فلسفه سیاسی اسلامی عنوان شده اند. هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و روش شناسی این مبانی هستند که شاخصهای مورد بررسی در ذیل آنها بسیار شبیه به شاخههایی است که ما در ادامه با این تفاوت که روش شناسی را حذف کرده و تا حدودی در مبانی معرفت شناسی ادغام نموده ایم، مورد بحث قرار می دهیم.

کتاب بعدی که در *آمدی بر فلسفه سیاسی اسلام* نام دارد، همچون کتاب قبلی در یکی از فصول خود مبانی اندیشه و فلسفه را مورد بحث قرار داده است. این مبانی که ۵ مورد هستند، شامل هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، جامعه شناسی و فرجام شناسی می باشد. آقای شریعتمدار بیشتر از نویسنده کتاب سابق به شاخصهای مورد اشاره ما در این تحقیق پرداخته است و مواردی چون مادی و غیر مادی بودن هستی، قانون مندی و نظم را در زیر مجموعه هستی شناسی آورده است. چنانچه بیان شد فرجام شناسی در این اثر جدا از دیگر مبانی مورد بحث قرار گرفته است که بهتر بود آنرا در زیر مجموعه هستی شناسی ذکر می نمودند، یعنی همان کاری که ما در ادامه انجام خواهیم داد.

اما بعد سوم و اصلی کار ما بررسی تطبیقی و تأیید نظریه تداوم است. ابتدا باید گفت که در رد نظریه تداوم و تأیید نظریه زوال کسانی چون سید جواد طباطبایی آثار چندی نگاشته اند که اثر *زوال اندیشه سیاسی در ایران* از جمله آنهاست. هر چند که نامبرده به تأثیر و تأثر اندیشه یونانی بر اندیشه اسلامی پرداخته است و با در نظر گرفتن نوعی خاص از رابطه تبادل اندیشه بین اینها به زوال اندیشه سیاسی در ایران رسیده است و آنچه را هم که وجود دارد تقلید و یا الگوگیری از یونانیان می داند، نه یک کار ابتکاری خاص، اما می توان با همین